



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

انترناسیونال ۴۵۴

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



www.m-hekmat.com منصور حکمت

جمعه ۵ خرداد ۱۳۹۱، ۲۵ می ۲۰۱۲ - ۱۰ صفحه

یونان و بحران لاینحل سرمایه

اقتصادی رای بدهند، همه چیز درست میشود و بعد از مدتی هم بحران یونان تمام میشود و هم بحران در کل کشورهای اروپایی. جالب نیست؟

اقتصادی رای بدهند، همه چیز درست میشود و بعد از مدتی هم بحران یونان تمام میشود و هم بحران در کل کشورهای اروپایی. جالب نیست؟

نشتت "جی ۸" که این روزها در کمپ دیوید آمریکا برگزار شد تمام مردم یونان به ادامه سیاست ریاضت

ادامه صفحه ۶

کاظم نیکخواه

انتخابات پارلمانی در کشور کوچک یونان که قرار است روز ۱۷ ژوئن برای بار دوم برگزار شود اکنون در مرکز توجه همه اروپا و میتوان گفت جهان قرار گرفته است. یونان میتواند سرنوشت اروپای واحد را عوض کند. میتواند کل پروژه عظیم

یک تلنگر کوچک و یک جنبش بزرگ



بهروز مهرآبادی

وقاحت خاتمی و یا سببیت گیلانی نبود که موجب ساخته شدن انواع داستان ها و روایت ها شد. این قضاوت مردم نسبت به حکومتی بود که به ضرب زندان و شکنجه و کشتار می خواست قوانین اسلامی را در یک جامعه قرن بیستمی (که برای آزادی و رفاه انقلاب کرده بود) پیاده کند.

یک تلنگر کوچک کافی بود تا امواج مدرنیسم، مذهب زدایی و سکولاریسم را بطرف عقب مانده ترین حکومت های تاریخ بفرستد و "علمای اعلام" صف بایستند تا فتوای قتل ملعونی را صادر کنند که این تلنگر را زده است. حکم ارتداد شاهین نجفی توسط دایناسور های ریز و درشت: مکارم شیرازی، ملکوتی، سبحانی، علم الهدی، نوری همدانی، صافی گلپایگانی و چند تایی دیگر پاسخ به حرکتی بود که از ابتدای قدرت گیری حکومت اسلامی در مقابل آن، شکل گرفت و آغاز شد. حمله به خرافات و عقب مانده ترین نمادهای مذهبی خود را در قالب هزاران لطیفه و جوک در مورد رهبران جمهوری اسلامی و امامان و "معصومین" خود را به نمایش گذاشت. این فقط بلاهت منتظری، حماقت احمدی نژاد، توحش خمینی،

ضریبات شلاق در طول ۳۳ سال حکومت اسلام پیکر صدها هزار نفر را بخون کشید، اما در فکر و ذهن اکثریت مردم بویژه جوانان بجز بیزاری بیشتر از قوانین اسلامی، اثر دیگری باقی نگذاشت. سرکوب وحشیانه و خونین جنبش انقلابی سال ۸۸ موجب تعرض بیشتر مردم به مبانی ایدئولوژیک و عقیدتی نظام اسلامی شد. با وجود محدودیت های فراوان شبکه های اجتماعی بستر اصلی این تعرض شدند. تعداد بیشمار پایگاه ها و وبلاگ های اینترنتی بوجود آمد که دست به روشنگری زده و پوسیدگی و تحجر قوانین جمهوری اسلامی را به ریشخند گرفتند. اجرای ترانه "نقی" توسط شاهین نجفی در متن این جنبش، صورت گرفت. صدور فتوای قتل شاهین نجفی توسط آیت اله ها هدفی جز ایجاد

ادامه صفحه ۵

اعتراضات مردم در ارومیه و تبریز

مردم ترك زبان را به سوسك تشبیه کرده بود. آن موقع به این بهانه، زنان و مردان در شهرهای آذربایجان فوراً به خیابانها ریختند و علیه این تحقیر و توهین آشکار اعتراض کردند.

زده است. لطف کنید از این اعتراضات بیشتر برای خوانندگان ما بگویید.

محسن ابراهیمی: بهانه اعتراضات اخیر در ارومیه و تبریز و چند شهر دیگر، ششمین سالگرد قیام مردم آذربایجان علیه کاریکاتور روزنامه دولتی ایران است که شش سال پیش

ادامه صفحه ۷

گفتگو با محسن ابراهیمی

انترناسیونال: دوشنبه گذشته یعنی روز اول خرداد ۹۱ تظاهرات ها و اعتراضاتی در ارومیه و تبریز جریان داشت و تعدادی از مردم توسط نیروی انتظامی جمهوری اسلامی دستگیر شدند. هنوز فضا در این شهر کاملاً پلیسی و خفقان

بازتاب هفته

این دروغی که میگویند راست است!

یاشار سهندی

جمهوری اسلامی، در مصافی نابرابر و

بی نتیجه با زنان

مهراب دشتی

اخراج دیپلمات پدوفیل

صفحات ۶-۴

صفحات دیگر

پند و اندرزهای رسانه دولت انگلیس، بی بی سی به درد مردم ایران نمی خورند

ناصر اصغری

اکبر گنجی، ذوالفقار بی بی سی!

مصطفی صابر

قرار درباره ضرورت گسترش مبارزات کارگری در تحولات سیاسی جاری در ایران

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پند و اندرزهای رسانه دولت انگلیس، بی بی سی به درد مردم ایران نمی خورد



ناصر اصغری

منتها بی بی سی، که صدا و سیماي دولت انگلیس است، تمام سعی خود را می کند که انسان را همچنان در چهارچوب منافع کلی این دولت، در انقیاد های لازم و از جمله انقیاد های مذهبی و ملی نگه دارد. جیتی را که مردم ایران انتخاب کرده اند، به همان اندازه که رژیم سرکوبگر اسلامی را هراسان کرده، گردانندگان بی بی سی را هم نگران ساخته است. مورد حکم ارتداد شاهین نجفی و در مخمصه قرار گرفتن بی بی سی، نمونه ای گویا از این وضعیت است. در این رابطه در سایت این رسانه دو نوشته، "دین ستیزی به مثابه افیون توده ها" از علی علیزاده و "نقد دین، پنی سیلین توده هاست" از عرفان ثابتي درج شده اند.

نوشته عرفان ثابتي، که واقعا نمی دانم چقدر ارزش نقد دارد، يك تلاش عجیب و غریب است تا مارکس را يك طرفدار مذهب نشان دهد. او که مارکس را از زبان دیگران شنیده، درباره مفهوم "دین افیون توده هاست"، می نویسد: "پژوهشگران معاصر هم چون اندرو مک کینن خاطر نشان کرده اند که تریاک در مقام استعاره در زمان مارکس معنایی متفاوت از امروز داشته است" و کمی پائین تر: "مک کینن نشان می دهد که در اروپای میانه قرن نوزدهم تریاک چند معنای ضمنی داشت. تریاک دارویی نه فقط مسکن بلکه شفا بخش بود که در درمان اپیدمی وبا در اروپا در سال های ۱۸۳۱-۱۸۳۲ و ۱۸۵۳-۱۸۴۹ به کار رفت." عرفان ثابتي به خود زحمت نداده که برود و آن نوشته نسبتا کوتاه مارکس، مقدمه "نقدی بر فلسفه حق هگل" را، که بیش از هر نوشته دیگری از مارکس نقل قول شده و می شود، بخواند و ما و

و آریزان شدن به فرانتس فانون، به سلمان رشدی و شاهین نجفی - که خود از کشورهای اسلام زده هستند - حمله می کند. حتی خواهان ممانعت از کار کسانی چون کاریکاتوریست دانمارکی میشود. چرا که از بر اساس تز "نسبیت فرهنگی" کاریکاتورهای این هنرمند دانمارکی به اسلام ستیزی و مسلمان ستیزی دامن می زند؟! منتها سئوالی که جلوی نویسنده رسانه دولت انگلیس به این سوال پاسخ نمی دهد که به کسانی که در قلب ایران و عراق و پاکستان و افغانستان و غیره بخاطر انتقاد به "اسطوره های" اسلامی، سلاخی می شوند، چه جوابی میدهد.

میرزا بنویس بی بی سی که در نقش مارکس شناس ظاهر شده است، جمهوری اسلامی را يك حکومت اسلامی نمی داند. توجه کنید: "اما آنچه مذهب ستیزی را در میان عده ای از ما بر می انگیزاند، شکل منحرف شده میل سیاسی به برخورد با حاکمیتی خاص است که به نام مذهب حکومت می کند. به دلیل بن بست برخورد سیاسی با این حاکمیت در دو سال گذشته، باید انتظار ظهور اشکال ناسودمند تری برای کانالیزه کردن نارضایتی از ساختار تبعیض آلود موجود را هم داشت. اما آنها که به چنین واکنش هایی تن می دهند فریب ادعای کاذب حاکمیت درباره منبع مشروعیتش را خورده اند." می گوید که نباید فریب منبع مشروعیت رژیم، که همانا اسلام است، را خورد! در جایی از نوشته اش می گوید که او تفسیر خامنه ای را از اسلام نمی پذیرد، او می گوید که احساس نزدیکی به تفسیر علی شریعتی، هدی صابر و آیت الله منتظری می کند.

چقدر در توصیه هایتان صادقید؟ نوشته علی علیزاده نکات پراکنده قابل نقد، رد و لازم الجواب زیادی دارد. می نویسد: "اگر شوخی با اسطوره های مسیحی به تحریک شدن مسیحیان در غرب نمی

انجامد برای این است که امروزه مسیحیت منبع اسطوره های انسجام دهنده اجتماعی در این جوامع نیست." باید پرسید که ایشان چرا نمی گوید که چرا چنین نیست؟ چرا مسیحیتی که قرون وسطی و جنگهای خانمانسوز صلیبی را در پرورده اش دارد و برای فتح اورشلیم از قلب اروپا لشکر سازمان داد و هزاران نفر را قتل عام کرد، اکنون به يك چنین موقعیتی افتاده است؟ آیا این صرفا کار "نقد" فلاسفه روشنگری بود؟ آیا صرفا کار طنز ولتر بود؟ مسیحیت را انقلاب کبیر فرانسه رام کرد و به کنج خانه ها راند. بله انقلاب! با به میان آمدن نام "انقلاب" باید به موعظه های پست بی بی سی هم جواب داد. نویسنده رسانه دولت انگلیس که تمام حکمت نوشته اش، نگرانی از وضعیت جمهوری اسلامی است، به کمونیستها یادآوری می کند که نباید خود را مشغول "روینا" بکنند. "زیربنا" را بچسبید! توجه کنید: "دین چه در شکل سنتی و چه در شکل سکولار آن بسیار بیشتر از افیون توده هاست. کارل مارکس فیلسوفی آلمانی در قرن نوزدهم می گوید: «نقد مذهب، گل و بوته های نقاشی شده تخیلی را از زنجیرهای انقیاد دست و پای آدمیان پاك نمی کند تا انسان این زنجیرها را حالا بدون تخیل و مرهمی و تسکینی باز هم به دوش بکشد. بلکه باید آن زنجیرها را به دور افکند.» منظور او از این زنجیرها، شرایط انقیاد کار فروشان تحت روابط تولیدی بازار آزاد و سرمایه داری است. کنایه آنکه حمله به گل و بوته های نقاشی شده بر این زنجیرها، هم در ایران و هم در جهان غرب، زمانی انجام می شود که این زنجیرها، یعنی سازوکار بازار آزاد، امروزه خود اسطوره ای انتقاد ناپذیر شده اند." و درست قبل از این پاراگراف هم گفته بود: "مبارزه در روبنا،

جمهوری اسلامی، در مصافی نابرابر و بی نتیجه با زنان

مهراب دشتی

جمهور، استفاده از لفظ "قهوه خانه ی زنان" را مناسب ندانست و از تاسیس "رستوران ویژه ی بانوان" خبر داد. همان طور که قبل از این اشاره شد این تلاش های مذبوحانه زمانی صورت می گیرد که نیروی سرکوبگرانتظامی به بهانه ی تابستان و تعطیل شدن مدارس و دانشگاه ها و دهن کجی دختران و زنان به قوانین قرون وسطایی حجاب اجباری، سعی دارند فشارهای خود را بر جامعه، افزایش دهند. احمدی مقدم که درحاشیه ی ششمین همایش سراسری معاونان تربیت و آموزش ناجا سخن می گفت، درمورد طرح تشدید به اصطلاح امنیت اخلاقی و اجتماعی گفت: "برخورد با بدپوششی و بدحجابی، سومین مطالبه ی مردم! از پلیس بعد از مبارزه با مواد مخدر و مسائل ترافیکی است". سرکرده ی جنایتکار نیروی سرکوب رژیم، بازم مثل همیشه خواسته های کثیف زن ستیزانه خود را به اسم مردم بیان کرد. مردم سال هاست دریافته اند که عامل اصلی ورود و توزیع گسترده ی مواد مخدر و معتادکردن جوانان، همین سرداران قدره کش و چماق دار سپاه و پلیس و ارتش و بسیج و فرماندهان مرزبانی و گمرکات و عوامل ریز و درشت حکومت هستند. مردم سال هاست می دانند که معضل ترافیک و تبعات آن مانند آلودگی هوای تهران و شهرهای بزرگ کشور، حاصل مستقیم سرمایه داری اسلامی است که کمترین اهمیتی به زندگی و جان انسانها نمی دهد.

مردم نه تنها برای مبارزه با مواد مخدر و حمل مساله ی ترافیک از پلیس و ماموران رژیم کمک نمی

این روزها، طرح جداسازی جنسیتی، ابعاد وسیع تری پیدا کرده است. بعد از طرح سالم سازی! دریا و استخر و تفکیک مردان و زنان در اتوبوس و دانشگاه نوبت به پارک مخصوص بانوان رسید و بیمارستان زنان. و چند نفر از فرمانداران شهرها شروع به کشیدن خط و نشان کردند که اتاق کار کارمندان زن و مرد در ادارات باید جدا شود که البته در همان بدو امر نه تنها با شکست رو به رو شد بلکه با استهزاء مردم مواجه گردید. در روزهای اخیر یعنی درست در بحبوحه ی اعلام طرح های ۳۰ گانه ی نیروی سرکوبگر انتظامی و شکست چندین و چندباری از این طرح های نبوغ آمیز! کارگزاران رژیم، برای بیرون رفتن از بحران های دامنگیر نظام در مورد مسایل زنان، باز هم طرح های تازه تری از چنجه خود بیرون می آورند. تازه ترین طرح رژیم در مورد جداسازی زنان از مردان، ایجاد "قهوه خانه ی زنانه" در تهران است تا - لابد - زنان در آن جا و دور از "اذیت و آزار" مردان، چای بنوشند و قلبان بکشند و مهمانی بگیرند و خوش باشند!

به محض اعلام این طرح از سوی رئیس اتحادیه قهوه خانه داران، اظهار نظرها از طرف مسئولین درجه یک دولتی و انتظامی شروع شد. احمدی مقدم سرکرده ی پلیس سرکوب با مساله دار خواندن قهوه خانه ها، آن را محل تجمع افراد بی بند و بار معرفی کرد و اظهار داشت که راه اندازی قهوه خانه زنان، پاسخ به مطالبه ی مردم نیست! و پلیس با آن مخالف است. پروین هدایتی معاون "سرمایه های اجتماعی مرکز آموزش زنان و خانواده ی رئیس

میکنیم و گرنه مارکس و بسیار از نظریه پردازان آن زمان با تریاک حال میکردند و برای همین حتی مارکس "... تریاک را محرک اعتراض و انقلاب می دانست... آن را منبعی بالقوه از امیدی آخرالزمانی به دیگروگونی ای بنیادین می داند." این پژوهشگر پر ادعا مدعی است "استعاره ها سیال و ناپایدار و در آثار مارکس پر شمارند هر استعاره بیش از یک معنا دارد و این معانی در گذر زمان تغییر می یابند." و پژوهشگر برای اینکه مبادا از جمله مارکس برداشت منفی شود تاکید میکند باید بگویم دین پنی سیلین توده هاست که بار مثبت دارد! حضرات جامعه شناس و کارشناس خودشان را دارند به در و دیوار میکوبند چرا که شاهین نجفی با یک ترانه تمام کاسه و کوزه های آنها را بهم ریخته و حزب کمونیست کارگری دقیقاً به هدف زده است، منتها ظاهراً توانش را باید مارکس پس بدهد! پاسخ را یکی از خوانندگان سایت بی بی سی در کامنت خودش یاد آور میشود: مارکس در نقد نظریه هگل میگوید "مذهب بمثابة رنج بشریت و در عین حال نوعی اعتراض به رنج بشریت است. مذهب آه و ناله مخلوقی درمانده است. مذهب "قلب" این جهان بی رحم (بی قلب) و روح این جهان فاقد روح انسانی است. مذهب بمثابة تریاک (مسکن درد) مردم است. الغای یافتن یا (رسیدن) به خوشبختی (ظاهری) از طریق مذهب در حقیقت انعکاس نیاز توده ها به خوشبختی است. مذهب توده ها را دعوت بفراموش کردن شرایط (غیر انسانی) فعلی خود کرده و از آنها دعوت می کند تا (در آینده نامعلوم) خود را در شرایط خوشبختی مورد نظرشان ببینند" و به پژوهشگر یاد آور میشود دارید با کلمات بازی میکنید که تلاش رقت انگیزی است.*

بازتاب هفته

"این دروغی که میگوی راست است!"

یاشار سندی

مخالفت با حکم آیت الله ها برخاستند، همانهای که بسیاری شان تاکید کردند که نجفی نباید این ترانه را میخواند و توهین میکرد حالا چشمش کور و دندش هم نرم بکشد! آخرین نفری که از این طیف اظهار نظر کرده اکبر گنجی است. او میگوید: "فرد گمنامی را در نظر بگیرید که خواستار شهرت است. او می بیند که بدون هیچ هزینه ای می تواند مشهور شود. چگونه؟ با اهانت کردن به مقدسات و تکفیر شدن از سوی فقیهان و خود را در معرض ترور قلمسداد کردن..." (فکر نمیکنم لازم باشد چیزی بگویم!) اما موج براه افتاده علیه اسلام و جنبش اسلامی و آزادی بی قید و شرط بیان بسیار قوی است و حزب کمونیست کارگری آنرا به پیش میبرد و دنیا را متوجه این موضوع کرده که پاسخ دین و مذهب به خواسته های مردم، جنایت است. اما بی بی سی ظاهراً رفته ریشه را بزند، ریشه برای بی بی سی مارکس است.

"پژوهشگر جامع شناسی دین" عرفان ثابتی نامی مطلبی نوشته بی بی سی هم در سایت خود آنرا بدون هیچ منظور (مانند همیشه) فقط از جهت اطلاع رسانی منتشر کرده است. این پژوهشگر ثابت کرده که مارکس مانند هم اروپاییان قرن نوزدهم در گنجی خانه اش تریاک نگهداری میکرده مدتی هم بخاطر بیماری اش مصرف هم کرده بعد که گفته دین تریاک مردم است نه این است ما در قرن بیست یکم زندگی میکنیم از آن برداشت منفی

شاهین نجفی با یک ترانه نشان داد که ماهیت کثیف همه مراجع تقلید اسلام، رانسان داد و بیشتر از آن تاکید کرد که "باورمندان دین که به اسلام رحمانی باور دارند"، روشنفکران دینی، پژوهشگران دینی، بسیاری از گردانندگان موسسه های پژوهشی در مورد ایران و جهان عرب، بسیاری از خبرنگاران مستقل و مفسران سیاسی بیغرض و ... و همه آنها پامنبری انواع آیت اله ها هستند، حتی اگر به جای ابن خلدون و ملاصدرا، هابر ماس، ماکس وبر و یا پوپر را غرغره میکنند. این ترانه چهره رسانه هایی را بیشتر افشا کرد که صاف توی دوربین نگاه میکنند و میگویند "ما به خیر و شر خبر کار نداریم، عشق مان خبر است، دوست داریم اطلاع رسانی کنیم" باید قولی را نقل کرد و از ایشان پرسید: "این دروغی که میگوی راست است!"

بعد از پخش ترانه "آی نقی" شاهین نجفی و صدور حکم قتل او از سوی علمای اسلام، بجز حزب کمونیست کارگری و فعالین آن، همه آن کسانی که سنگ حقوق بشر را به سینه میزنند ساکت بودند. اما این ترانه "مهجور" نماند، آرزویی که بی بی سی داشت. وقتی هم این رسانه ها مجبور شدند که به آن بپردازند یک کلام، حتی به اندازه سر سوزنی به اعتراض حزب کمونیست کارگری اشاره ای نکردند. اما وانمود کردند که از همان اول کسانی مانند واحدی، افشار، رضا پهلوی، امینی به

بازتاب هفته

اخراج دیپلمات پدوفیل

یک دیپلمات جمهوری اسلامی که در فروردین ماه گذشته بخاطر آزار جنسی کودکان از برزیل اخراج شده بود، سرانجام از وزارت امور خارجه رژیم اخراج شد. حکمت اله قربانی بخاطر آزار جنسی چهار دختر بچه در یک استخر توسط پلیس برزیل دستگیر شد ولی بخاطر مصونیت دیپلماتیک آزاد شده و از آن کشور اخراج شد. جمهوری اسلامی رفتار کارمند خود را "تفاوت در مفاهیم فرهنگی" نامید و از او با دسته های گل استقبال کرد. این کارمند پدوفیل در هنگام ورود به فرودگاه تهران مورد استقبال رامین مهرانپرست سخنگوی وزارت خارجه رژیم و تعدادی از دانشجویان بسیجی قرار گرفت. مستقبلیین شعار های "مرگ بر"

آمریکا"، "مرگ بر برزیل" و "وارث خون شهیدان، خوش آمدی به ایران" می دادند.

وزارت خارجه جمهوری اسلامی شکایت مقامات برزیلی در مورد این دیپلمات را خلاف واقع و فاقد صحت اعلام کرد، اما فیلم ویدئویی دست درازی این مامور جمهوری اسلامی به دختر بچه ها در رسانه های مختلف انتشار یافت. پس از گذشت یک ماه و پیگیری دیپلماتیک مقامات برزیل جمهوری اسلامی ناچار شد که این کارمند را از وزارت امور خارجه اخراج کند. این واقعه یک افتضاح دیگر برای رژیم و نمونه ای از فرهنگ کودک آزاری و پدوفیلی کارگزاران اسلام را به نمایش گذاشت.*

از میان اخبار

روزنامه شرق خبر داد که در سال گذشته ۱۵۰۷ نفر براه حوادث کار جان خود را از دست داده اند. بر اساس این خبر سال ۹۰ در مقایسه با ۱۰ سال گذشته بیشترین آمار مرگ ناشی از حوادث کار را داشته است. افزایش تعداد قربانیان حوادث کار در همه استانها بوده و در هیچ استان کشور این آمار سرزولی نداشته است. آمار رسمی رژیم نشان دهنده عدم وجود امنیت در محیط های کاری برای کارگران است. اکثر کارخانه های صنعتی و یا کارگاههای ساختمانی از حداقل استانداردهای ایمنی برخوردار نیستند. در بسیاری موارد لوازم ایمنی بسیار ارزان قیمت هم در اختیار کارگرانی که کارهای پرخطر را انجام می دهند، قرار داده نمی شود.

چندین برابر مجروحین این سوانح وجود دارند که بسیاری از آنها تا آخر عمر اثرات این حوادث را بر بدن خود دارند و گاه قادر به کار نیستند. بخش عمده این کارگران از هر گونه بیمه و یا تامین اجتماعی برخوردار نیستند. آمار منتشر شده توسط روزنامه شرق فقط گوشه کوچکی از جنایات حکومت سرمایه داران اسلامی را نشان می دهد.

اعتراض کارگران کارخانه آرد آدمی و آزادی به دنبال اخراجشان کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری روز ۲۴ اردیبهشت خبر داد که کارفرمای کارخانه آرد آدمی و آزادی، واقع در میدان مکریان سقز، مشهور به کارخانه آرد ۵ طبقه، مانع از ورود کارگران به محیط کارخانه شده است. در ادامه آمده است: مسئولان این کارخانه همیشه به اشکال مختلف حقوق کارگران را تضییع کرده اند و هر بار به بهانه های واهی دستمزد کارگران را ماه ها پرداخت نکرده اند. هر زمان کارگران درخواست حقوق کرده اند، نماینده کارفرما به بهانه اینکه کارخانه در حال بحران بسر می برد از پرداخت حقوق کارگران خودداری کرده است و اظهار داشته است که پولی برای حقوق کارگران وجود ندارد تا آن را پرداخت کنیم. لازم به ذکر است که حدود ۳ ماه کارگران هیچ گونه پولی دریافت نکرده اند. کارفرما اظهار داشته است که نمی تواند کارخانه را اداره کند، او از کارگران خواسته است که کارخانه را ترک کنند. در پی این وضعیت، کارگران ۳ ماه است که هر روز به کارخانه مراجعه می کنند و تا ساعت ۲ بعد از ظهر در حیاط کارخانه تجمع کرده و سپس به خانه های خود برمیگردند. در تاریخ ۲۳ و ۲۴ اردیبهشت کارفرما دستور داده که درب کارخانه به روی کارگران بسته شود، متعاقبا کارگران هم در مقابل درب کارخانه تجمع کرده و خواستار بازگشت به کار و حقوق معوقه خویش هستند.

این کارگران هر کدام دارای ۱۷ الی ۲۷ سال سابقه کار در این کارخانه می باشند. اعتراض در شرکت حمل و نقل هستیا پایگاه خبری "دی پرس" نقل کرده است که کارگران شرکت حمل و نقل ریلی "هستیا" در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود دست به اعتصاب زدند. واریز نشدن ۵ ماه حق بیمه کارگران به سازمان تامین اجتماعی، محیط نامناسب کار، بسته بودن فضای کار و عدم محاسبه سختی کار از دیگر موارد اعتراض کارگران این شرکت خصوصی است. محیط کار این کارگران پر از موش و آلوده است. دستشویی قطار ها در محل کار این کارگران تخلیه می شود و کارگران در معرض انواع بیماری ها قرار دارند. بخاطر اینکه حق بیمه این کارگران واریز نشده آنها امکان استفاده از خدمات ناچیز تامین اجتماعی را ندارند. تعدادی از کارگران به دلیل مطالبه حقوق خود از طرف مسئولین شرکت تهدید به اخراج شده اند. به ۱۰۰۰ کارگرد سیمه ۶ ماه است حقوق داده نشده خبرگزاری ایلنا به نقل از علی غیاثی دبیر اجرایی خانه کارگر ایلام گفت کارفرمایان کارگاههای مستقر در سد سیمه شهرستان دره شهر شش ماه است مزایا و حقوق ۱۰۰۰ کارگر خود را به تعویق انداخته اند. به گفته این فرد کارگران برای پیگیری مطالبات خود به ادارات تابعه مراجعه کرده ولی جواب قانع کننده ای ننشیده اند. کارگران متروی اهواز ۵ ماه حقوق نگرفته اند یکی از کارگران متروی اهواز گفت: ۸۰۰ نفر از کارگران قطار شهری اهواز ۵ ماه است که حقوق نگرفته اند. وی با اشاره به بیکاری ۲۰۰ کارگر قطار شهری اهواز در پی توقف کار به دلیل اعتراض کارگران در سال گذشته، افزود: مشکلات کارگران متروی اهواز دوباره در حال تکرار شدن است. همچنین دبیر اجرای خانه کارگر اهواز نیز با تایید گفته کارگران قطار شهری خاطر نشان کرد: کارگران متروی اهواز به خاطر ترس از اخراج جرات اعتراض ندارند.*

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

- سعید صالحی نیا ۲۰۰ دلار
- جیمی از تهران ۵۰۰ دلار
- صابر نوری ۲۴۰۰۰ کرون
- بانو مخبر ۲۰ دلار
- بابک یزدی ۵۰۰ دلار



یک تنگنار کوچک و یک جنبش بزرگ

از صفحه ۱

رعب و پایان دادن به تمسخر و دست انداختن احکام اسلامی نداشت. اما نتیجه صدور این فتوا عملاً بر عکس آن چیزی بود که آیت اله ها منتظر آن بودند. این جنبش چنان گسترده، عمیق و پر قدرت است که صدور فتوا هم به تمخس بیشتر و تعرض بیشتر علیه کل مقدسات حکومت تبدیل شد. خودشان هم میدانند که دیگر کار از اینها گذشته است. جلو این جنبش را نمیتوان به هیچ قیمتی گرفت.

با صدور این فتوا میزان مراجعه به سایت هایی که اسلام و قوانین آن را هجو می کنند، چندین برابر شد. اکثریت این مراجعین جوانان بودند که بسیاری از آنها در ایران زندگی می کنند و بهتر از هر آیت الهی با زیر و بم احکام و قوانین شریعت، آشنا هستند و بهتر از هر کسی می توانند زوایای مختلف این پدیده هولناک را در معرض تماشا بگذارند. ۲۶ مه روز حمایت

از شاهین نجفی اعلام گردید و در هزاران نفر پشتیبانی خود را از او اعلام نمودند.

صدور حکم ارتداد و حکم قتل توسط سران جمهوری اسلامی امر تازه ای نیست. فتوای قتل سلمان رشدی توسط خمینی در سال ۶۷ هم با اعتراض و انزجار مردم جهان روبرو شد. اما واکنش به فتوای ارتداد شاهین نجفی فقط اعتراض به توحش جمهوری اسلامی و در دفاع از آزادی بیان نیست. جنبشی که سالها است آغاز شده، بالا گرفت و گسترش پیدا کرد. این جنبش یکی از مبانی جامعه آینده ایران را بیان می کند، جامعه ای که جز انسان هیچ چیز در آن مقدس نیست و نمی توان آزادی، امنیت و حرمت هیچ انسانی را بخاطر خدشه دار شدن مقدسات، مورد تعرض قرار داد. هدف این جنبش به پائین کشیدن انواع مختلف تقدس های مذهبی و ملی است و یک روش مهم آن هجو کردن و نشان دادن پوچی، بی ارزشی و ضد بشری

بودن این تقدس ها است.

وحشت جمهوری اسلامی را از بالا گرفتن این جنبش می توان دید. رژیم دندانه های خود را نشان می دهد و پنجه می اندازد اما دندان های کرم خورده و کریه آن فقط باعث تمسخر بیشتر میشود. شاهین نجفی از طرف بسیاری از مقامات رژیم تهدید به مرگ شده است. تصاویر فیس بوکی تعدادی از افرادی که در بحث های اینترنتی پیرامون "امام نقی" شرکت کرده اند و اسم کوچک آنها، در سایت های وابسته به رژیم از جمله رجانیوز منتشر شده و تهدید به مرگ شده اند. اگر چه این تصاویر تیره شده و واضح نیستند، ولی طوری انتخاب شده اند که برای صاحب عکس و احتمالاً دوستان وی کاملاً قابل تشخیص هستند. محسنی از ای دادستان کل رژیم خبر از تشکیل پرونده بر علیه شاهین نجفی داد تا قوه قضائیه از گله آیت اله ها عقب نماند.

یکی از نتایج جنبش ضد مذهب و سکولار واضحتر کردن مرز بندی

های بین جنبش ها و جریانات سیاسی و اجتماعی است. احزاب و گروه ها و شخصیت های ملی مذهبی هم به وحشتی از نوع جمهوری اسلامی دچارند. بعضی از آنها اگر چه ناچار شده اند در مقابل جنبش ضد مذهبی سر خم کنند و فتوای قتل شاهین نجفی را محکوم کنند، اما بیشتر آنها از آیت اله ها شاکی بودند که چرا با صدور فتوا موجب بالا گرفتن جنبش و معروفیت شاهین نجفی شده اند. بسیاری از آنان از شیرین عبادی که "حق بشر" از دهانشان نمی افتد و خواهان بازگشت به "دوران خوش امام" و یا "اسلام دموکراتیک" هستند، در مقابل صدور این فتوا لام تا کام حرفی نزده و ترجیح داده اند فقط از احترام به "مقدسات مردم" صحبت کنند و بخاطر مظلومیت "امام نقی" دندان قروچه کنند. در راس سلطنت طلبان رضا پهلوی می داند که تاج شاهنشاهی به ریسمان مذهب آویخته است و نگرانی بی اعتباری دین و "روحانیون" در بین جوانان است. اما فشار جنبش ضد مذهبی او را هم ناچار کرد تا موضعگیری کند و فتوا ها را

موقعیت را (که برای توجیه خود محتاج به توهم و خیال سازی در بین مردم است) تغییر دهند. "مردم باید خود دست به کار شوند. مذهب در همدستی با امثال بی بی سی، زنجیر انقیاد جامعه را هر چه سفت تر می کند. ما تصمیم گرفته اید هم از آزادی بیان شاهین نجفی حمایت کنیم، هم جامعه ایران را از اسلام و حکومتش رها سازیم و هم تغییرات اقتصادی و روینائی عمیقی در جامعه ایجاد کنیم. بی

محکوم نماید. فتوای آیت اله ها آتش جنبش ضد مذهبی را که از ۳۳ سال قبل آغاز شده گسترده تر کرد. خواست برپایی یک جامعه سکولار در ایران، قوی تر از هر زمان دیگری مطرح گردید. این جنبش اعلام کرد که در ایران آینده هیچ چیز به جز انسان مقدس نیست. قدرت آن به حدی بود که بسیاری از گروه ها و شخصیت های ملی اسلامی ناچار شدند، فتوا بر علیه شاهین نجفی را محکوم کنند، حتی آنهایی که در مقابل صدور فتوای قتل سلمان رشدی سکوت و یا آنرا تأیید کردند. در عرض چند روز لحن و زبان بسیاری از ملی مذهبی ها و ناسیونالیست های پرو غرب و حتی بی بی سی و صدای آمریکا تغییر کرد و نسبت به فتوا تند تر شدند. دیگر کمتر به خود جرئت می دهند که بر سر این بحث کنند که آیا ترانه "نقی" توهین بوده است یا نه. اما این هنوز یک آغاز است. غولی از شیشه در آمده و باید منتظر جدال های سخت تر و ضربات سنگین تری بر پیکر ارتجاع اسلامی بود. *

پند و اندرزهای رسانه دولت انگلیس، بی بی سی به درد مردم ایران نمی خورد

از صفحه ۲

انگار تنها شکلی از مبارزه است که از چپ و راست، آموخته ایم. کارگران حق دارند که از نویسنده رسانه دولت انگلیس، بی بی سی بپرسند: شما تا چه حد در موعظه هایتان صادقید؟ این "روینا" که مذهب و ناسیونالیسم و دیگر کشفیات جامعه سرمایه داری است، زندگی را بر یک جامعه ۸۰ میلیونی تباه کرده است.

"زیرینا" (روابط تولیدی و اقتصادی) هم که بخودی خود تغییر نمی کند. شما چرا در تمام دورانی که مردم ایران افتخار گوش دادن به شما را داشته اند، بطور دائم زیر بغل حاکمان بر این جامعه، از پهلوی های پدر و پسر گرفته تا جمهوری اسلامی را گرفته اید؟ چقدر صادقید که ما را برای تغییر در روابط تولید در اقتصاد و زیربنای جامعه دعوت می کنید؟ هر آنچه که

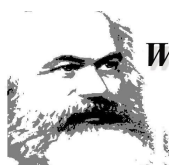
بوده، به ما یادآوری کرده اید که "در کتابهای مارکسیستی نیامده است که خود را سرگرم روینا بکنید!؟" اکنون دیگر دیر زمانی است که کمونیسم نوع دیگری در ایران حرفی برای زدن دارد. آن نوع کمونیسم و مارکسیسمی که با اسلام می سازد دوره اش مدتهاست که سپری شده است. آنچه را که از آن بازمانده به شما ارزانی باد. ما می خواهیم هم زیرینا و هم روینا را عوض کنیم.

باز برگردیم به نقل قول اول این نوشته از مارکس: "این خواست که مردم باید توهم در مورد موقعیت و شرایط مادی شان را کنار بگذارند به این معنی است که باید خود این شرایط و

بی سی خاکریزی بیش بر سر راه مبارزه برای آزادی کامل از انقیادهای مذهبی، سیاسی و اقتصادی نیست. مردم ایران توطئه ها و پاپوش دوزیهای دولت انگلیس و رسانه آن را خوب می شناسند. بی خود نیست که بی بی سی در بین مردم این جامعه به آیت الله بی بی سی ملقب شده است. *

WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiiran.org



نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

یونان و بحران لاینچل سرمایه



کازم نیکخواه

از صفحه ۱

تلاش سران کشورهای سرمایه داری این بود که مردم یونان را تشویق کنند و تهدید کنند که در ای یو باقی بمانند. اما تازه ترین نظر سنجی ها نشان میدهد که در انتخابات روز ۱۷ ژوئن حزب چپ گرای "سیریزا" بیشترین آرا را نصیب خود خواهد نمود و حزب راست میانه "نیو دموکراسی" را که طرفدار ریاضت اقتصادی است شکست خواهد داد. حزب سیریزا از این دفاع میکنند که شرط و شروط وامهایی که از جانب اروپای واحد به یونان داده شده تغییر کند و یونان نباید ناچار باشد با بهره های بالا و سیاست ریاضت اقتصادی این وامها را بازپرداخت کند. حزب موسوم به "نیو دموکراسی" تمام امید جریانات راست و دولتهای سرمایه داری برای ادامه سیاست ریاضت اقتصادی در یونان است. اما گفته میشود که شکست آن قطعی است. اما روشن است بحث بر سر یونان به تنهایی نیست، بلکه ما در مورد یک رویداد بسیار عظیم تاریخی صحبت میکنیم. چون خود در وسط این رویداد قرار داریم و به درجات مختلفی بازیکنان یا حداقل قربانیان آن هستیم، زیاد متوجه اتفاقی که دارد می افتد شاید نباشیم. موضوع اینست که سرمایه داری به یکی از عمیق ترین بحرانهای تمام طول تاریخ خود رسیده است. شاید از تمام بحران های تاکنونی عمیق تر و جدی تر باشد. این بحرانی است که از اواسط سال ۲۰۰۸ شروع شد و در سال ۲۰۰۹ به اوج خود رسید و در سال

۲۰۱۰ کل رسانه های بستر اصلی به همراه سخنگویان دولتهای غربی اعلام کردند که بحران تمام شده است. حتی فوکویاما فیلسوف مشهور و دست راستی آمریکائی در جایی ابراز تاسف کرد که "متأسفانه بحران زود تمام شد و فشار کافی روی مردم نگذاشت تا عادت به مصرف را کنار بگذارند!" (نقل به معنی) اما بوضوح میشد فهمید که بحران بهیچ وجه نه فقط تمام نشده بلکه رویه کاهش هم نیست. دقیقاً به این دلیل است که سرنوشت کشور کوچک یونان میتواند برای کل اروپا و کل جهان اهمیت پیدا کند.

اگر بنا به منطق سرمایه به مسائل نگاه کنیم روشن است که در شرایط کنونی یونان هیچ راه دیگری جز گردن گذاشتن به ریاضت اقتصادی ندارد. چه در حوزه یورو و چه در خارج از یورو و اتحادیه اروپا. اما مردم و بویژه کارگران خود را بدهکار سرمایه داری و قوانین آن نمیدانند. و این تمام مساله است. مردم و بویژه کارگران دست به تظاهرات و اعتصاب و راهپیمایی زدند. بارها اعلام کردند که تاوان بحران سرمایه داری و سیاستهای سرمایه داران را حاضر نیستیم ما بپردازیم. و چه گناه کبیره ای! جهان سرمایه، این را به مردم و کارگران یونان نخواهد بخشید. از هم اکنون دارند خط و نشان میکنند که اگر یونان راه ریاضت اقتصادی را در پیش نگیرد بار دیگر اسیر "حکومت سرهنگان" خواهد شد. به رشد جریانات نئو نازیست اشاره میکنند. اما با وجود تبلیغات بسیار زیادی که در این زمینه میشود مردم یونان روی حرف خود ایستاده اند. تا همینجا در اثر سیاستهای ریاضت اقتصادی صدها هزار نفر خانه خراب شده اند. موارد متعددی خودکشی به دلیل فقر و بن بست گزارش شده است. و ادامه سیاستهای ریاضت اقتصادی چشم انداز بسیار تیره و تاری را روبروی مردم قرار میدهد. اکنون قبل از اینکه سوال این باشد که

آیا یونان راهی برای برون رفت از این بحران را مقابل خود دارد یا نه، سوال اساسی در دنیای غرب اینست که اگر یونان از حوزه اقتصادی یورو خارج شود چه خواهد شد؟ و پاسخ آن نیز روشن است اسپانیا و بعد پرتغال و بعد ایتالیا در فاصله ای نه چندان دور به سرنوشت یونان دچار خواهند شد. و اتحادیه اروپا از هم خواهد گسست و تاثیرات دومینویی آن کل دنیای سرمایه داری را خواهد گرفت. با اینکه در نشست اخیر گروه "جی ۸" بحثهای علنی در مورد ماندن یونان در حوزه پولی یورو بود، اما تلاشهای جدی تر و اصلی تر این بود که به اصطلاح "فایروال" مناسبی برای جلوگیری از سرایت بحران یونان به سایر کشورها ایجاد شود. در پایان این نشست خبرگزاریها گزارش دادند که این نشست به هیچ توافق نرسیده و هیچ اقدام مشخصی را در دستور نگذاشته است.

پایان سرمایه داری؟ آیا این بحران یکی دیگر از بحرانهای ادواری سرمایه داری است که بعد از مدتی فروکش خواهد کرد و به نحوی حل خواهد شد؟ خیلی ها دوست دارند اینطور وانمود کنند. اما حقیقت اینست که چشم اندازی برای حل این بحران در چارچوب سرمایه دیده نمیشود. تازه نباید فراموش ابعدی قابل مقایسه با بحران کنونی داشته اند به چه نحو حل شدند. بحران کنونی به درجاتی با بحرانهای جدی سرمایه داری در سالهای ۱۹۰۷ و ۱۹۳۰ قابل مقایسه است. آن بحرانها نهایتاً جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم را در پی داشتند و با نابود سازی کل شیرازه اجتماعی و اقتصادی و کشتارهای میلیونی در سطح جهان بود که صورت مساله عوض شد و سرمایه مجدداً به رونق افتاد. آیا ما با چنین وضعیت و چشم انداز سیاهی مواجه هستیم؟ آیا سرمایه داری در موقعیتی هست که بتواند چنین سرنوشتی را به بشریت تحمیل کند؟ پاسخ من به این سوال منفی است. بنظر من بیش از آنکه آلترناتیو جنگ و نابودی شیرازه

قرار درباره ضرورت گسترش مبارزات کارگری در تحولات سیاسی جاری در ایران

از آنجا که،

تشکلهای، نهادها، محافل و شبکه های فعالین و رهبران عملی جنبش کارگری در سراسر کشور را بمثابة يك اقدام عاجل در دستور قرار میدهد.

۲. بر اهمیت دخالتگری سیاسی کارگران در اوضاع کنونی، بویژه دخالتگری کارگران نفت و دیگر صنایع کلیدی در تحولات جاری و آتی ایران بیش از پیش تاکید میکند و تبلیغ و ترویج فعالانه این امر را در دستور کار خود قرار میدهد.

۳. اقدامات عملی جهت کسب آمار برای اعتصاب سراسری و سازماندهی اقدامات متحد و مشترک بخش های کلیدی جنبش کارگری را فعال تر از همیشه در دستور قرار میدهد.

۴. گسترش و ارتقای مبارزات و اعتصابات کارگری به سطحی سیاسی و سراسری يك عامل مهم و موثر برای عبور از اوضاع خطرناک و فلاکت بار کنونی، شکل گیری انقلاب و خنثی کردن سیاستها و برنامه های راست در مقابله با انقلاب است.

از اینرو حزب،

دفتر سیاسی حزب کمونیست
کارگری ایران
۲۱ مه ۲۰۱۲، ۱۰ خرداد ۱۳۹۱

۱. گسترش افقی و عمل متحد جوامع و هرنوع دیگر از عقب گرد و به قهقرا رانن جوامع محتمل باشد، احتمال پا گذاشتن بشریت به خارج از دایره سرمایه داری وجود دارد. یا حداقل به همان حد این هم يك احتمال واقعی است که مردم جهان همچون همه مردمی که در یونان و در کشورهای دیگر سرمایه داری اعلام کردند و فریاد زدند که "ما حاضر نیستیم تاوان سیاستهای سرمایه داران را بپردازیم"، پا به میدان بگذارند و در سطح جهان به کل سرمایه داری نه بگویند. تجربه انقلابات خاورمیانه و شمال آفریقا و همچنین تجربه "جنبش ۹۹ درصدی ها" نشان میدهد که این آلترناتیو اگر بیش از "راه حل" های دیگر امکان جلو آمدن نداشته باشد، احتمال آن

کمتر نیست. میدانم که وقتی پای بحث در مورد آلترناتیو چپ و سوسیالیستی آنهم در سطح جهان وسط می آید، سوالات زیادی مطرح میشود که باید پاسخ داد. از جمله فقدان احزاب جدی و رادیکال کمونیستی، شکست تجربه شوروی، و بسیاری سوالات دیگر. بنظر من این ها گرچه مسائل بسیار مهمی است اما در چارچوبی که اینجا مورد بحث است و تحولات اساسی و تاریخی ای که صحبت میکنیم اینها موانع تعیین کننده ای نیستند و رویدادها و تحولات دوره اخیر نشان داده است که این موانع قابل کنار زدن است. امیدوارم در این زمینه در نوشته های دیگری بیشتر صحبت کنیم.*

اعتراضات مردم در ارومیه و تبریز



گفتگو با محسن ابراهیمی

از صفحه ۱

بسرعت در حال خشک شدن است. کار و زندگی تعداد زیادی به انحاء مختلف به موقعتیت این دریاچه وابسته است که با خشک شدن این دریاچه کار و محل درآمدشان را از دست خواهند داد. نزدیک ۸ میلیون نفر در شعاع ۵۰۰ کیلومتری این دریاچه زندگی میکنند که خشک شدن آن تاثیرات و صدمات زیادی بر زندگی آنها خواهد گذاشت. با خشک شدن این دریاچه بیش از ۱۰ میلیارد تن نمک به صورت گردوغبار و طوفان بر سر مردم این ناحیه خواهد ریخت. مردم آذربایجان مسبب اصلی این وضعیت را جمهوری اسلامی میدانند. میدانند که علت اصلی آن بستن سد بر رودخانه های منتهی به این دریاچه است که به برکت آن آقازاده های اسلامی و صاحب کمپانیهای سدسازی ثروت و پولهای نجومی پارو میکنند.

حکومت اسلامی که خشم و نفرت و اراده مردم آذربایجان در سال ۸۵ و عزم سراسری مردم در سال ۸۸ را دیده است از چند هفته پیش به هر کاری دست زد تا از زیر اعتراض احتمالی مردم سالم در برود. چند هفته است که سطهای زیاله را از مراکز اصلی شهر برداشته اند و آجرها و سنگها و مصالح ساختمانی نیمه تمام را جمع آوری کرده اند تا در دست معترضین به ابزار مقابله با سرکوبگران تبدیل نشود. تمام نیروهای سرکوب بسیج شده اند تا اعتراض مردم را سرکوب کنند. علیرغم همه این کارها، مردم در مقیاس چند هزار نفره بیرون آمدند

و به مدت چند روز علیه حکومت اعتراض کردند. انترناسیونال: آیا میتوان گفت که موضوع اعتراضات مردم آذربایجان فقط سالگرد قیام ۸۵ و مسئله دریاچه/ارومیه است؟

محسن ابراهیمی: اینها فقط دو مسئله و دو بهانه هستند اما ابدا همه موضوع اعتراض مردم آذربایجان نیستند. علل اصلی تر و عمومی تر اعتراضات مردم آذربایجان همانها هستند که به قیام مردم در سال ۸۸ منجر شد: فقر و فلاکت اقتصادی، خفقان سیاسی و سرکوب فرهنگی و همه جنایتهایی که این حکومت علیه مردم محروم مرتکب شده است. مردم آذربایجان هم مسبب زندگی جهنمی خود را در سیمای این حکومت می بینند. آنها این حکومت را مسبب اصلی يك زندگی غیر انسانی و مانع اول رسیدن به آزادی و برابری و امنیت و رفاه میدانند. مردم آذربایجان همانند همه مردم ایران، اولین شرط رهایی خود را سرنگونی کامل این حکومت میدانند. تحقیق روزنامه دولتی ایران در سال ۸۵ بهانه ای بود که خشم و نفرت تلنبار شده چند دهه ای مردم را منفجر کرد.

انترناسیونال: این اعتراضات چه سمت و سوی سیاسی دارد و آیا از رهبری متعینی برخوردار است؟

محسن ابراهیمی: جهت سیاسی اصلی این اعتراضات همانند اعتراضات مردم سایر نقاط ایران، اعتراض به این رژیم است. مردم به تحقیر و بی حرمتی يك روزنامه دولتی، دولتی که بنیادش بر تبعیض استوار است معترض هستند. مردم به رژیم اسلامی به عنوان مسبب اصلی خشک شدن یکی از منابع اقتصادی زندگی شان معترض هستند. مردم به مافیای اقتصادی وابسته به سپاه و نهاد های عظیم مالی رژیم معترضند که هدف اصلی آنها از پروژه های سد سازی، چپاول ثروت توسط کمپانیهای وابسته به دولت و سپاه است و برای

رسیدن به این هدف زندگی چندین میلیون نفر از مردم، دریاچه ارومیه و منابع طبیعی وابسته به آن را به نابودی کشانده اند.

مثل همه اتفاقات گذشته آذربایجان، این بار هم جریانات قوم پرست آزادی تلاش زیادی کردند تا به این اعتراضات رنگ ملی و قومی بزنند؛ آن را به تقابل ترکها و فارسها تبدیل کنند؛ شعارها و خواسته های قوم پرستانه را به شعارها و خواسته های مردم تبدیل کنند و کلا این اعتراضات حق طلبانه و آزادیخواهانه مردم را از محتوای سیاسی ضد رژیمی و از محتوای انسانی و برابری طلبانه و آزادیخواهانه اش خالی کنند و البته نتوانستند. شعارهای محوری این دور اعتراضات که در ویدیو کلیپها قابل مشاهده و برجسته است این حقیقت را نشان می دهد. شعارهای اصلی اینها بودند: "ارومو گولو جان وئریر، مجلس اونون قتلینه فرمان وئریر" (دریاچه ارومیه جان میدهد، مجلس به قتلش فرمان میدهد)؛ "بیشرف، بیشرف" (شعاری که مستقیما علیه سرکوبگران اسلامی بود). و همچنین مردم با شعارهایی تلاش کردند کسانی را که هنوز به اعتراض مردم نیوسته اند را تشویق کنند تا به صف اعتراض علیه حکومت اسلامی بپیوندند.

يك اتفاق جالب که نشان میدهد جریانات عقب مانده قوم پرست در تلاشهای ارتجاعیشان نتوانستند موفق شوند، ماجرای نقش ملاحسنی است. در حالیکه ناسیونالیستها سعی کردند ملاحسنی، این ملای عقب مانده و جانی را در صف مردم قرار دهند، خود ملاحسنی اطلاعیه داد و دشمنی خودش با مردم و خدمتگزاری خود به رژیم اسلامی را علنا اعلام کرد.

در خاتمه باید بگویم که این اعتراضات علیرغم هشپاری سیاسی مردم، علیرغم محتوای ضد رژیمی و رادیکال و انسانی و عدالتخواهانه و برابری طلبانه اش، هنوز از رهبری سیاسی پیشرو محروم است. این نقطه

ضعف اصلی آن است. از این نقطه نظر مسئله دقیقا شبیه خیزش انقلابی سال ۸۸ است. محتوای اعتراض مردم کاملا پیشرو و مترقی و انسانی بود اما به خاطر اینکه توسط يك حزب سیاسی پیشرو، آزادیخواه و برابری طلب رهبری نشد، نتوانست پیروز شود. این مهمترین ضعف است و رهایی نهایی مردم در ایران منوط به تامین این رهبری است.

انترناسیونال: فراخوان شما برای مردم آذربایجان چیست؟ همینطور خطاب به مردم سایر نقاط ایران در رابطه با اعتراضات اخیر چه پیامی دارید؟

محسن ابراهیمی: اعتراضاتی که در آذربایجان هر از گاهی سربلند میکند بخشی از اعتراضاتی است که در مناطق دیگر ایران در جریان است. همچنانکه گفتم مضمون اصلی و واقعی این اعتراضات مثل جاهای دیگر این است که مردم آذربایجان نمیخواهند زیر سیطره رژیم زندگی کنند که مسئول و مسبب تمام فجایع اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی است. همیشه جریانات سیاسی مرتجعی هستند که میخواهند با اتکا به این اعتراضات بحق مردم دکان سیاسی خود را راه بیندازند. در آذربایجان این جریانات اساسا جریانات قوم پرست هستند. جریاناتی که بطور صریح یا ضمنی سعی میکنند این مبارزات را از مضمون رادیکال سیاسی ضد رژیمی و عدالتخواهانه و برابری طلبانه اش تهی کنند و به آن رنگ و بوی قومی و ملی بزنند. نباید گذاشت مضمون انسانی و حق طلبانه مبارزات مردم دستخوش استفاده سیاسی این جریانات قوم پرست شود که به اندازه حکومت اسلامی و ایدئولوژی اسلامیش ارتجاعی هستند. مردم معترض آذربایجان تاکنون نشان داده اند که در این مورد هشپار هستند. در این زمینه باید هشپارتر بود. مردم علیه هرگونه تبعیض هستند. مردم علیه تبعیض بر اساس جنسیت و ملیت و مذهب و شغل و رنگ و مذهب و هر بهانه و توجیه دیگر هستند. به این معنا مبارزه مردم

عمیقا انسانی است. هر درجه پیشروی قوم پرستان آزادی و ترک این محتوای انسانی مبارزه مردم را خدشه دار میکند. باید آگاهانه و هشپارانه در مقابل آنها ایستاد.

تا آنجاییکه به مردم در سایر نقاط ایران مربوط است باید به اشکال مختلف از این مبارزه در آذربایجان پشتیبانی سیاسی کرد و دست شهادان قوم پرست را در تلاشهای ارتجاعیشان برای نفرت پراکنی قومی و ملی بست. همین الان اعتراضات زیادی در میان طبقه کارگر، زنان و جوانان در اقصی نقاط ایران در جریان است. باید به هر شکلی به مردم آذربایجان نشان داد که برخلاف تبلیغات دروغین و ارتجاعی قوم پرستان، همه کسانی که در مناطق مختلف ایران برای عدالت و آزادی و رفاه مبارزه میکنند در کنار اعتراض توده های محروم و ستمدیده در آذربایجان هستند و این مبارزه را وجهی و بخشی از مبارزه سراسری خود علیه رژیم اسلامی و برای سرنگونی رژیم اسلامی میدانند.

باید اضافه کنم که حکومت اسلامی بشدت از ادامه و گسترش اعتراضات وحشت دارد. بیدلیل نیست که دست به دستگیریهای گسترده زده است. این کار حکومت تماما برای ارعاب است. برای جلوگیری از تکرار و گسترش اعتراضات است. دقیقا به این دلیل مبارزه برای آزادی دستگیر شدگان باید يك اولویت جدی باشد. ادامه اعتراض برای آزادی دستگیر شدگان وجه مهمی از اعتراضات مردم است. هر درجه موفقیت در این زمینه، يك شکست برای جمهوری اسلامی و يك پیروزی برای مردم معترض آذربایجان و کل اعتراض مردم در سطح سراسری است. هر درجه پیشروی و پیروزی در این زمینه، توازن روانی و سیاسی را به نفع تداوم و گسترش و تعمیق اعتراضات مردم عوض خواهد کرد و عمر جمهوری اسلامی را کوتاهتر خواهد کرد. هر درجه پیشروی در این زمینه يك قدم دیگر به سمت رهایی نهایی از نکبت اسلامی است.*

روز جهانی علیه فتوای قتل شاهین نجفی و در دفاع از آزادی بیان و نقد مذهب

لیست تظاهراتی ۲۶ می در کشورهای مختلف



برعلیه احکام فتوای قتل توسط آیت الله های جمهوری اسلامی که نسبت به شاهین نجفی و جوانان آزادیخواه صادر کرده اند و در حمایت از آزادی بیان به خیابانها خواهیم آمد.

نروژ

اسلو: شنبه ۲۶ می، زمان: ساعت ۱۳ تا ۱۵
مکان: روبروی پارلمان نروژ
تلفن تماس: ۰۹۸۶۹۴۰۰۱

سوئد

استکهلم: شنبه ۲۶ می، زمان: ساعت ۱۷:۳۰
مکان: میدان مینتوریت (mynttorget)
در مرکز شهر

Email: iran.cvo@gmail.com

گوتنبرگ: دوشنبه ۲۸ می، زمان: ساعت ۱۷

مکان: Brunnsparken

تلفنهای تماس: ۰۷۰۴۴۰۸۷۱۵
۰۷۶۶۵۰۶۴۴۴

کانادا

ونکوور: شنبه ۲۶ می، زمان: ساعت ۶ تا ۷ بعد از ظهر

مکان: آرت گالری در مرکز شهر ونکوور سمت خیابان رابسون

تورنتو: شنبه ۲۶ می، زمان: ساعت ۷ بعد از ظهر تا ۹ بعد از ظهر
مکان: میدان مل لسمن

دانمارک

کپنهاگ: شنبه ۲۶ می، زمان: از ساعت ۱۶ تا ۱۸ بعد از ظهر

مکان: کپنهاگ جلوی سفارت جمهوری اسلامی به آدرس Svanemollevej 48, 2100 Kobenhavn O
شماره تماس برای هماهنگی: ۰۰۴۵۳۱۳۳۸۶۸۷

استرالیا

سیدنی: شنبه ۲۶ می، زمان: ساعت ۱۲ الی ۲ بعد از ظهر
مکان: مقابل شهرداری پاراماتا در داخل مال پاراماتا
تلفن تماس: ۰۴۶۷۵۵۴۰۱۵

آلمان

ورتسبورگ
شنبه ۲۶ می، زمان: ساعت ۳ بعد از ظهر

مکان: مقابل چادر تحصن در میدان مرکزی شهر
تلفن های تماس: ۱۷۶۷۷۰۰۹۰۹۲
۷۷۲۴۷۶۱۹۰۱۶۷

برلین

شنبه ۲۶ می، زمان: ساعت ۲ بعد از ظهر
مکان: الکساندر پلاتس، نزد ساعت دنیا

Alexanderplz. am Weltzeituhr

فرانکفورت: شنبه ۲۶ می، زمان: ساعت ۳ بعد از ظهر در محل

Hauptwache
تلفن تماس: ۷۹۰۷۹۴۶۰۱۶۳
کلن شنبه ۲۶ ماه می، زمان: ساعت ۱۷ الی ۱۹

مکان: روبروی کلیسای مرکزی دم "دم پلاته"
تلفن تماس: ۰۰۴۹۱۷۷۸۲۹۷۸۴۱

برمن شنبه ۲۶ می، زمان: ساعت ۳ تا ۶ بعد از ظهر در محل
Vor dem Steintor (am Ziegen Markt)
تلفن تماس: ۴۰۳۷۰۳۵۰۱۷۲

هند

آمستردام شنبه ۲۶ می، ساعت ۲ تا ۴ بعد از ظهر
مکان: بورس پلازین
شماره تماس: ۰۶۵۱۲۷۳۲۶۱

ایتالیا

باری
جزئیات بعدا به اطلاع خواهد رسید.

فرانسه

پاریس شنبه ۲۶ می، ساعت ۱۶ الی ۱۸ بعد از ظهر
مکان: پارک ونسن

ایمیل هماهنگی: mmofavaz@ymail.com
تلفن: ۰۶۵۲۹۲۰۱۹۱

این لیست در حال تکمیل شدن است.

مردم ارومیه، تبریز و آذرشهر علیه رژیم تظاهرات کردند

در دو روز گذشته، شهرهای ارومیه، تبریز و آذرشهر بار دیگر شاهد اعتراضات مردم شد. بهانه این اعتراضات، ششمین سالگرد اعتراض مردم آذربایجان در سال ۱۳۸۵ در اعتراض به بی حرمتی و تحقیر آنها توسط روزنامه دولتی "ایران" و اعتراض به خشک شدن دریاچه ارومیه بود.

شش سال پیش وقتی روزنامه ایران مردم ترک زبان را به سوسک تشبیه کرد، فورا با انفجار خشم و نفرت انبار شده جوانان و زنان و مردان علیه رژیم اسلامی مواجه شد. دهها هزار نفر در شهرهای ارومیه، تبریز، اردبیل و سایر شهرها به خیابانها ریختند، علیه جمهوری اسلامی و خامنه ای شعار دادند و با شجاعت و جسارت در مقابل نیروهای سرکوب حکومت ایستادند. دو شنبه اول خرداد این هفته، مصادف با ششمین سالگرد این مبارزه حق طلبانه مردم علیه ارتجاع اسلامی بود که بار دیگر مردم را علیه جمهوری اسلامی و در اعتراض به خشک شدن دریاچه ارومیه، که مردم رژیم را مسبب آن میدانند، به خیابانها کشید.

علیرغم بسیج گسترده نیروهای سرکوب در چند هفته گذشته، چند هزار نفر از مردم در خیابانهای ارومیه، تبریز و آذرشهر تظاهرات کردند و خشم و نفرت خود را علیه جمهوری اسلامی، علیه سرکوبگران و علیه سیاستهای سرپا تبعیض حکومت بیان کردند. وحشت رژیم از اعتراض مردم چنان گسترده بود که از روزهای قبل اقدام به جمع آوری سطلهای زباله و سنگها و

آجرهای ساختمانهای نیمه تمام در مناطق مرکزی برخی شهرها کرده بود. طبق گزارشی که به حزب رسیده است، تعداد تظاهرات کنندگان در ارومیه بین ۳ تا ۴ هزار نفر و در آذرشهر حدود ۳۰۰ نفر بود. طبق این گزارش، در ارومیه موقع حمله موتورسواران مردم با ماشین های خود جلو آنها را سد میکردند. شعار اصلی مردم اینها بود: "ارومو گولو جان ویریر، مجلس اونون قتلینه فرمان ویریر" ("دریاچه ارومیه جان میدهد، مجلس به قتلش فرمان میدهد")، "بیشرف، بیشرف" (خطاب به نیروهای سرکوب حکومت). تعدادی از قومپرستان شعارهای ناسیونالیستی دادند اما مردم شعارهای آنها را تکرار نکردند. در جریان این تظاهرات تعداد قابل توجهی از جوانان دختر و پسر دستگیر شدند.

فضای شهرهای ارومیه و تبریز همچنان ملتهب است. مردم دنبال بهانه ای برای ادامه اعتراض هستند و حکومت اسلامی هم برای جلوگیری از ادامه و گسترش اعتراضات به دستگیریهای گسترده دست زده است. باید در مقابل دستگیری ها ایستاد. باید برای آزادی دستگیر شدگان اعتراض کرد. تحمیل هر درجه عقب نشینی در این زمینه راه را برای گسترش مبارزات مردم باز خواهد کرد.

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۳ خرداد ۱۳۹۱، ۲۳ مه ۲۰۱۲

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

اتریش هم به کمپین ۲۰ ژوئن پیوست!

با تمام قدرت پیش به سوی برگزاری ۲۰ ژوئن
روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی ایران



دور هم جمع می شویم تا یاد زندانیان سیاسی را کرامی بداریم و بدینوسیله اعلام همبستگی ما را به افکار عمومی نشان دهیم. پس از ساعت ۱۹، بحث پیرامون زندانیان سیاسی در ایران و خاورمیانه

تماس: 01791178987

حشمت توکلی

برگزارکننده: مرکز فرهنگی ایران linkswärts e.v. iranischeskulturzentrums e.v we DFG-VK

فرانکفورت

زمان: ۲۰ ژوئن ۲۰۱۲ از ساعت ۳ الی ۶ مکان:

An der Hauptwache (Zeil)

تماس: رویا بحرینی 015773518300, Royabahrini@gmail.de

محمود قائدی

01637907946

برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی - آلمان

اتریش

وین

مکان:

Innerstadt-Stephanplatz - Stock im Eisen-platz nr 3

زمان: ۲۰ ژوئن ساعت: ۱۸-۱۶ عصر

برگزار کننده: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

تماس:

roya.chelbea@gmx.at

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

http://www.countmein-iran.com

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

Canada, ICRC, Scotiabank
4900 Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
branch: Wood Green, Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 81 4779
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبدال گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

۱۶،۰۰۰-۱۶،۰۰۰

مکان: کارل یوهانس گاتا
شماره ۲۲ روبروی پارلمان نروژ
تماس: ۴۷ ۴۱۳۳۳۲۶۸ سرور
کاردار

برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی - نروژ

آمریکا

واشنگتن

زمان: ۲۰ ژوئن ۲۰۱۲

مکان:

Dag Hammarskjold Plaza

تماس:

Maria Rohaly, maria.rohaly@gmail.com; Tel: 240-595-2633

برگزارکننده:

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

Organiser: Mission Free

Iran

Co-organiser:

آلمان

ماینز

زمان: ۲۰ ژوئن ۲۰۱۲ از

ساعت ۱۶ الی ۱۹

مکان: در میدان نوی برونن پلاتس

در ماینس

ما در روز چهارشنبه ۲۲ ژوئیه در

میدان نوی برونن پلاتس در ماینس

av [20 June a global day to support political prisoners in Iran - 20 ژوئن](#)
kl. den 3 maj 2012 kl. 10:40 .

در ۲۰ ژوئن امسال یکبار دیگر اعلام میکنیم

زندانیان سیاسی و عقیدتی باید بلادرنگ و بدون قید و شرط آزاد گردند؛ اعدامها باید فوراً متوقف شوند

لیست برنامه های اعلام شده :

فرانسه

لیون

برنامه ای در حمایت از ۲۰ ژوئن روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران

سخنران: شیوا محبوبی

زمان: ۴ مه ۲۰۱۲ ساعت ۶ و

نیم عصر

مکان: دانشگاه لیون

برگزار کننده: انجمن تابلازا

تماس:

asso.tablase@gmail.com

m

نروژ

اسلو

زمان: ۲۰ ژوئن ۲۰۱۲ ساعت

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

اکبر گنجی، ذوالفقار بی بی سی!



مصطفی صابر

اول بار از تلویزیون جمهوری اسلامی و از زبان خمینی شنیدم که علی ابن ابی طالب در یک روز هفت هزار یهودی را گردن زد تا اسلام را رواج دهد. خمینی اینرا در تایید الهی بودن نسل کشی کمونیست ها و مخالفین، در "دوران طلایی امام" نقل کرد. الحق خمینی شاید آخرین جانشین خلف علی ابن ابی طالب بود. هرچند علی امام بود و با خدا و پیغمبر نشست و برخاست میکرد و خمینی در حجره های نجف خاک میخورد و همین غرب او را به پاریس برد و همین بی بی سی در ماه کرد، اما در هر حال در یک تابستان توانست به رکورد علی ابن ابی طالب نزدیک شود. یعنی بیش از پنج هزار نفر را با طناب دار به قتل برساند. کمتر کسی میتواند در مسلمانان اینقدر پیشرفت کند...

باری روزی علی ابن ابی طالب برای اسلام خون ریخت و روزی دیگر خمینی. سوال این است که امروز چه کسی ذوالفقار اسلام را بدست دارد؟

جواب: کمی عجیب و سوررئالیستیک است. این دیگر تقصیر ما نیست. خود واقعیت آنقدر جلو رفته که دفاع از اسلام را به یک جوك بزرگ تبدیل کرده است. ذوالفقار علی دیگر شمشیر تیز دولبه نیست. تبدیل شده به جناب اکبر گنجی که تمام وجود تکیده از آنهمه "روزه سیاسی" را در قلم خویش کرده است. و روح علی هم در تمام ساتالایت ها و سایت ها و ساختمانها و روسای بخش فارسی بنگاه سخن پراکنی بریتانیا یعنی بی بی سی حلول کرده است.

گرچه اوضاع بسیار وخیم است و هردوی اینها مجبورند قتل و فتوا و گردن زدن در دفاع از اسلام را محکوم کنند. اما تمام هنر ژورنالیستی و تمام دانش روانشناختی جامعه شناختی خود را بکار میگیرند تا هرطور شده ن تا می شود، اسلام و خرافه و جهل را حفظ کنند. از جمله به مقاله اخیر اکبر گنجی که روزی شعارش "یا روسری یا توسری" بود، رجوع

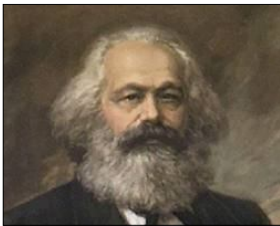
کنید که چقدر زیبا و دلنشین به شما توضیح میدهد که "گسل" جامعه ایران جدال دین ستیزی و دین داری نیست. بلکه تقابل دیکتاتوری و دموکراسی است. این حاج آقا "پوپر" یادش رفته که دین داری پرچم قتل و جنایت و حجاب و سنگسار و جهل و خرافه و کثافت در جامعه ایران بوده و هست. و کسی که ذره ای آزادی بخواهد باید اسلام و حکومتش در ایران را به زیر بکشد. یعنی همین کاری که الان جوانان ایران دارند با خواندن ترانه "نقی" و به مسخره کشیدن کل بساط اسلام و الله و جنایت انجام میدهند. اکبر گنجی که زمانی با پونز زدن به سر زنان از اسلام دفاع میکرد و زمانی با باد زدن خاتمی میکوشد اسلام را نجات دهد، حالا مدتی است که میکوشد حالی مردم ایران کند که مشکل "سلطانیزم" است، نه حکومت کثیف اسلامی. و بی بی سی هم خستگی ناپذیر به تقلید علی ابن ابی طالب این ذوالفقار پوسیده و مضحک را در هوا میچرخاند و بر گردن بشریت فرود می آورد. آنقدر که کتفش درد میگیرد ...

آقایان خجالت بکشید. دوره شما و مذهب و جهل و جنایتش تمام شده است.

انجمن مارکس (کانادا) برگزار میکند

مارکس و بردگی جنسی!

و نگاهی به "انقلاب زنانه" در عصر ما



سخنران: مصطفی صابر

زمان: شنبه ۱۶ ژوئن ۲۰۱۲، ساعت ۱۲ بعد از ظهر
مکان:

5100 Yonge St.
North York Civic Centre
Committee Room: 3

مسئول انجمن مارکس کانادا

محسن ابراهیمی

ebrahimi1917@gmail.com

جمهوری اسلامی، در مصافی نابرابر و بی نتیجه با زنان

از صفحه ۳

را پرچم و نماد موجودیت حکومت قرون وسطایی جمهوری اسلامی می دانند.

رژیم و کارگزارانش از همان سال های دهه ی شصت و بویژه در سال های اخیر فهمیده اند که مردم قصد

خواهند، بلکه از فردای انقلاب ۵۷ این ارگان سرکوب رژیم را در مقابل خود دیده اند. مردم آزادی پوشش و نه گفتن به حجاب اجباری را حق مسلم خود و حجاب اجباری

سرنگونی آن ها را دارند و زنان در این راه، پیشروتر و مصمم ترند. برای همین است که رژیم فشارش را بر زنان افزایش داده و به عناوین گوناگون سعی در تحقیر و تعقیب زنان دارد. اما یک چیز را هنوز نفهمیده است، این که با طرح های ضد مردمی نظیر جداسازی و تفکیک جنسیتی در جامعه، نخواهد توانست زنان را مجبور به عقب نشینی کند.*

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!